

پیامدهای توافق هسته ای بر روابط جمهوری اسلامی ایران

و اتحادیه اروپا

جعفر قامت^۱

استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

محمدرضا پورقوشچی

دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۵/۸/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۵/۹/۲۶)

چکیده

روابط ایران و کشورهای اروپایی، ریشه در تاریخ داشته و همواره در دوره های مختلف از فراز و نشیب برخوردار بوده است، اما در دوره جدید، با توجه به توافق به دست آمده و موفقیت دولت یازدهم در حل پرونده پیچیده هسته ای، می توان پیش بینی کرد که روابط میان طرفین به دلیل منافع دوجانبه درحوزه های مختلف روند رو به رشدی را تجربه خواهد کرد.

در این مقاله تلاش می کنیم اهمیت روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تشریح نماییم؛ همچنین در صدد هستیم به این پرسشهای اساسی پاسخ دهیم که در فضای جدید پس از توافق، روابط میان ایران و اتحادیه اروپا تحت تأثیر چه عوامل و مؤلفه هایی قرار داشته و به چه سمت و سویی سیر خواهد نمود؟ منافع مشترک دو جانبه در چه حوزه هایی قابل شناسایی است و چگونه می توان آنها را در یک فضای تعاملی عملیاتی کرد؟

برای درک ماهیت روابط میان ایران و اروپا باید ابتدا عناصر تأثیر گذار بر آینده این روابط شناسایی شده و در آن چهارچوب روابط بین آنها بررسی شود. به نظر می رسد در دوره جدید همکاری ها در حوزه انرژی و امنیت انرژی، اقتصادی و تجاری؛ همچنین همکاری های سیاسی و امنیتی برای استقرار ثبات در منطقه از الویت اصلی برخوردار خواهد بود. در این مقاله سعی می کنیم با بهره گیری از نظریه واقعگرایی در روابط بین الملل و با استفاده از روش تحلیلی، چهارچوب این نوع همکاریها را در دوران پسا برجام تشریح نماییم.

واژه های کلیدی: توافق هسته ای، برجام، اتحادیه اروپا، همکاری های مشترک، سیاست خارجی.

Email: jafarghamat@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

اتحادیه‌ی اروپا به عنوان نهادی منطقه‌ای و فراملی و با عضویت ۲۸ کشور اروپایی از بازیگران مطرح صحنه‌ی بین‌المللی است. روابط ایران و کشورهای اروپایی، ریشه در تاریخ داشته و همواره در دوره‌های مختلف از فراز و نشیب برخوردار بوده است؛ اگر چه ایران به عنوان یکی از با ثبات‌ترین کشورهای منطقه، برای اروپا اهمیت ژئواکونومیک؛ ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک دارد، اما در رابطه با پرونده هسته‌ای و در تقابل میان ایران و آمریکا، کشورهای اروپایی همواره به سمت و سوی همکاری و تبعیت از آمریکا گرایش داشته‌اند. در واقع می‌توان استدلال کرد که روابط ایران و اروپا علی‌رغم ظرفیتهای عمیق برای گسترش همکاریهای اقتصادی و تجاری طی سال‌های گذشته تحت تأثیر مسائل سیاسی - امنیتی و به ویژه پرونده هسته‌ای بوده است.

با توجه به توافق به دست آمده و موفقیت بزرگ دولت یازدهم در حل پرونده پیچیده هسته‌ای، می‌توان پیش‌بینی کرد که روابط میان طرفین به دلیل منافع دوجانبه درحوزه‌های مختلف، روند رو به رشدی را تجربه خواهد کرد. قدرت منطقه‌ای ایران، از یک سو و نیاز طرفین به همکاری در حوزه‌های اقتصادی و تجاری؛ همچنین همکاری برای حل و فصل مسائل مختلف منطقه‌ای از سوی دیگر، از جمله عواملی است که در توسعه روابط میان طرفین مد نظر خواهد بود.

در این مقاله، تلاش می‌کنیم اهمیت روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تشریح نماییم؛ همچنین در صدد هستیم به این پرسشهای اساسی پاسخ دهیم که در فضای جدید پس از توافق، روابط میان ایران و اتحادیه اروپا تحت تأثیر چه عوامل و مؤلفه‌هایی قرار داشته و به چه سمت و سویی سیر خواهد نمود؟ منافع مشترک دو جانبه در چه حوزه‌هایی قابل شناسایی است و چگونه می‌توان آنها را در یک فضای تعاملی، عملیاتی کرد؟

برای درک ماهیت روابط میان ایران و اروپا، باید نخست عناصر تأثیر گذار بر آینده این روابط شناسایی شده و در آن چهارچوب، روابط بین آنها بررسی شود. به نظر می‌رسد در دوره جدید همکاری‌ها در حوزه انرژی و امنیت انرژی، اقتصادی و تجاری؛ همچنین

همکاری های سیاسی و امنیتی برای استقرار ثبات در منطقه از الویت اصلی برخوردار خواهد بود. در این مقاله سعی خواهیم کرد با بهره گیری از نظریه واقعگرایی در روابط بین الملل و با استفاده از روش تحلیلی، چهارچوب این نوع همکاری ها را در دوران پسا برجام تشریح نماییم.

نگاهی گذرا به روابط ایران و اتحادیه اروپا

روابط ایران و کشورهای اروپا ریشه در تاریخ بلند مدت و ریشه دار طرفین دارد. ایران، به عنوان یک کشور مهم منطقه با داشتن جغرافیای خاص و نقطه اتصال میان شرق و غرب، همواره مورد توجه کشورهای اروپایی بوده است؛ همین وضعیت ژئوپلیتیکی خاص باعث شده است ایران به نقطه توازن قوا میان قدرتهای بزرگ اروپایی تبدیل شود.

اگرچه روابط ایران و کشورهای اروپایی در دوره سلطنت پهلوی اول و دوم مطلوب و همواره رو به گسترش بود، اما با وقوع انقلاب اسلامی و سپس جنگ تحمیلی روابط بین آنها تیره گردید. پس از پایان جنگ تحمیلی، دو دوره مشخص برای این روابط می توان در نظر گرفت: نخست، دوران «گفتگوی انتقادی» است که از سال ۱۹۹۲ آغاز شده و تا ۱۹۹۷ ادامه پیدا می نماید؛ در این دوره اروپا بر خلاف خواست دولت آمریکا، در برنامه ریزی در مورد انزوای ایران شرکت نکرده و در ۱۹۹۶ که تحریم اقتصادی ایران در واشنگتن در دستور کار قرار گرفت، اروپا با ارتقای روابط خود با ایران، آن را به طور کامل نادیده گرفت (جعفری ولدانی، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

در این دوران، البته اروپا با سیاست های آمریکا در مورد ایران یعنی مهار دوجانبه، تحریم های متعدد و ممنوعیت صدور فن آوری همراهی نمی کرد، حتی در زمان تصویب لایحه داماتو در سنای آمریکا و تحریم های دولت کلینتون علیه ایران، همسویی اروپا با آمریکا اندک بود. بر اساس قانون داماتو سرمایه گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در ایران منع شده بود که این رقم سپس به ۲۰ میلیون دلار کاهش پیدا کرد، اما اروپایی ها از همان ابتدا مخالفت خود را نشان دادند. بیشترین مخالفت در آن زمان از سوی فرانسه صورت گرفت؛ چرا که شرکت توتال فرانسه یکی از بزرگترین شرکت های این کشور و فعال در بخش نفت و گاز ایران بود. فرانسه، صراحتاً به دولت کلینتون اعلام کرد که آمریکا حق ندارد تحریم های فراسرزمینی را

اعمال کند و این تحریم، صرفاً باید شامل شرکت های آمریکایی شود و همین باعث شد تا کلیتتون قانون داماتو را در مورد شرکت های فرانسوی حاضر در بازار ایران در یک دوره زمانی اعمال نکند، اما در این دوره به دنبال حادثه میکونوس، گفتگوهای انتقادی میان طرفین به طور کامل قطع شد، به نحوی که کشورهای اروپایی سفرای خود را از ایران فراخواندند (نادری، ۱۳۹۴: ۴۵).

مرحله دوم، از سال ۱۳۷۶ و با روی کار آمدن دولت اصلاحات آغاز می شود که می توان این دوران را دوران «تعامل و همکاری سازنده» نام نهاد. از مشخصات این دوره، مشارکت شرکت های اروپایی در طرح های توسعه صنعت نفت و گاز و سایر طرح ها است. در این دوران، ایران منادی گفتگو شد و سیاست تنش زدایی با محوریت اعتماد سازی، تفاهم و احترام متقابل و احتراز جدی از اتخاذ مواضع تحریک آمیز نسبت به سایر کشورها در دستور کار سیاست خارجی دولت قرار گرفت (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۶).

گفتگوهای فراگیر و سازنده با ایران پیرامون مسائل مختلف و دوجانبه تا پایان دوران اصلاحات ادامه یافت و در مجموع، ده دور گفتگو میان ایران و اتحادیه اروپا انجام شد. روابط گرم اقتصادی - سیاسی ایران و اروپا به خوبی پیش می رفت تا اینکه در دوره دوم دولت اصلاحات، پرونده هسته ای ایران به صورت جدی از سوی کشورهای غربی مطرح گردید، از آن زمان اروپا در کنار آمریکا قرار گرفت و به صورت مداوم به ایران فشار آورد تا علاوه بر پذیرش پروتکل الحاقی، تمام فعالیتهای هسته ای خود را تعطیل نماید؛ اگرچه اتحادیه اروپا در مراحل اولیه به خاطر منافع و پیوندهای وسیع اقتصادی، خواهان پیگیری رویکرد تند و خشن علیه ایران نبود، اما در نهایت، این کشورها به واسطه فشارهای آمریکا، به ناچار از سیاست های آن کشور در قبال ایران پیروی کردند و با همکاری آمریکا قطعنامه های متعددی را در شورای امنیت سازمان ملل، علیه ایران به تصویب رساندند؛ این فشارها به ویژه در دوره دولت نهم و دهم، بیشتر و بیشتر شد و کشورهای اروپایی حتی به منظور همراهی با آمریکا در سال ۲۰۰۸ با رأی دیوان عالی اتحادیه اروپا، نام گروهک مجاهدین خلق را از لیست گروههای تروریستی خارج کرد (آقاجانی، ۱۳۸۷: ۹) و حجم روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا از این

سال به بعد به شدت کاهش یافت؛ بنابراین ادامه این فشارها تأثیر خود را نخست بر روابط سیاسی و در مرحله بعد بر روابط اقتصادی و تجاری ایران و اروپا بر جای گذاشت. حجم و گستردگی روابط اقتصادی و تجاری را می توان در این دوران اینگونه نشان داد:

Table 1. Iran's trade with the EU (€ millions)

Year	Imports	Yearly change (%)	EU share of total imports	Exports	Yearly change (%)	EU share of total exports
2003	11,144		41.51	6,317		23.76
2004	13,159	18.1	42.87	7,511	18.9	23.88
2005	14,347	9.1	41.22	10,487	39.6	24.56
2006	12,372	-13.8	33.62	13,041	24.4	24.16
2007	11,152	-9.9	27.76	12,618	-3.2	22.87

Source: European Commission, External Trade: Iran, http://ec.europa.eu/trade/issues/bilateral/countries/iran/index_en.htm (accessed 22 January 2009).

در حالی که واردات اروپا از ایران در سال ۲۰۰۸ که بیشتر در بخش نفت و گاز صورت می گرفت حدود ۱۵/۵ میلیارد یورو بود، اما در سال ۲۰۰۹ این رقم به ۸/۳ میلیارد یورو رسید و حدود ۴۵ درصد واردات اروپا از ایران کاهش یافت؛ همچنین تا قبل از تحریم های اعمال شده علیه ایران، حجم وسیعی از تجارت ایران با اروپا انجام می شد که میزان آن حدود دو سوم حجم تجارت ایران با سایر کشورها تخمین زده می شود. اتحادیه اروپا طی سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ به طور متوسط سالانه بیش از ۸ میلیارد دلار از کل واردات ایران را از آن خود کرده است و به طور متوسط سالانه ۹۲۳ میلیون دلار (معادل ۲۲ درصد) از کل صادرات غیر نفتی ایران به جهان را وارد کرده است.

اتحادیه اروپا، با بیش از ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت، هم اکنون نزدیک به ۲۳ درصد تولید ناخالص دنیا و ۱۵ درصد تجارت جهانی را داراست و این پتانسیل در کنار داشتن منابع غنی نفت و گاز در ایران باعث شده، دو طرف همواره در حفظ و گسترش روابط تلاش کنند؛ اگر چه ایران به عنوان یکی از با ثبات ترین کشورهای منطقه، همواره برای اروپا ارزش ژئواکونومیک؛ ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک داشته است، اما در رابطه با مسئله هسته ای و تقابل

میان ایران و آمریکا همواره به سمت و سوی همکاری و تبعیت از آمریکا گرایش داشته است. در واقع می توان استدلال کرد که روابط ایران و اروپا، علی رغم ظرفیتهای عمیق برای گسترش همکاریها در دوازده سال گذشته، اسیر مسئله هسته ای بوده است.

در این سالها، به ویژه در دوره دولت نهم و دهم، پرونده هسته ای به مانع جدی در گسترش روابط میان ایران و اتحادیه اروپا تبدیل شد، اما با توجه به توافق به دست آمده و موفقیت بزرگ دولت یازدهم در حل پرونده پیچیده هسته ای، می توان گفت: روابط میان هر دو سو، به دلیل نیازها و منافع متقابل، در حوزه های مختلف توسعه پیدا خواهد کرد.

ایران، با داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد و قرار گرفتن در چهار راه میان اروپا، روسیه، آسیای مرکزی و جنوب آسیا و داشتن نهادهای قدرتمند و با ثبات سیاسی و اجتماعی، هم اکنون تنها دولت- ملت ریشه دار منطقه محسوب می شود که غرب، ناگزیر از همکاری با آن است. قدرت منطقه ای ایران، از یک طرف و نیاز کشورهای غربی به ایران برای حل مسائل مختلف از جمله مسائل منطقه ای، باعث شد آنها زبان تهدید را کنار بگذارند و با زبان احترام متقابل و دیپلماسی وارد مذاکره با ایران بشوند. کریستوفر میر، سفیر سابق انگلیس در واشنگتن در مطلبی که در روزنامه تلگراف به رشته تحریر در آورده، به اوضاع جاری در منطقه خاورمیانه پرداخته و چنین استدلال کرده که با توجه به اوضاع آشفته منطقه، اکنون وقت متحد شدن با ایران است. به عقیده وی منافع استراتژیک غرب، نه در تعامل با عربستان بلکه در تعامل با ایران است (تابناک، ۱۹ تیر ۱۳۹۴).

چهارچوب نظری

با توجه به فضای جدید ایجاد شده بعد از توافق هسته ای ایران با گروه ۵+۱ این پژوهش در صدد است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که در دوران پس از توافق هسته ای، روابط میان ایران و اتحادیه اروپا به چه سمت و سویی حرکت خواهد کرد و تحت تأثیر چه عناصری قرار خواهد گرفت؟ به بیان دیگر، در دوران پس از تحریمها روابط میان ایران و اروپا چگونه خواهد بود؟

فرض اصلی این پژوهش این است که وجود منافع مشترک و دوجانبه در دوران پس از تحریم، باعث گسترش روابط میان ایران و اتحادیه اروپا در ابعاد مختلف خواهد شد. در این مقاله با

بهره گیری از نظریه واقعگرایی در روابط بین الملل، روابط بین ایران و اتحادیه اروپا تحلیل و در ارتباط با آینده روابط، پیشنهادهای ارائه خواهد شد.

در ادبیات کلاسیک روابط بین الملل، استدلال می شود آن چیزی که باعث شکل گیری همکاری یا منازعه میان دولتها و مجموعه های امنیتی می شود منافع است. به طور کلی و در کلام مورگنتا، منافع راهنمای دولتها در عرصه روابط بین الملل محسوب می شود؛ متفکرینی از این دست معتقدند منافع، اساس و جوهر سیاست است (مقتدر، ۱۳۷۰: ۴۴) و پیشبرد منافع ملی، همانند کسب قدرت، قانون آهنگین ضرورت ها است (دان، ۱۳۸۸: ۳۲۵). اگر دولتها دارای منافع موازی و مکمل باشند می توان آینده روابط آنها را همکاری جویانه تصور کرد، اما اگر منافع آنها ماهیتی متضاد و متناقض داشته باشد می توان تنش و منازعه را برای روابط هر دو سو، پیش بینی کرد؛ بنابراین برای درک ماهیت روابط میان ایران و اروپا، باید نخست، عناصر تأثیر گذار بر آینده این روابط شناسایی شده و در آن چهارچوب، روابط بین آنها بررسی شود.

به طور کلی می توان این عناصر را به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول، عناصری که دغدغه کلیت غرب در رابطه با جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهد و دسته دوم، دغدغه های خاص اروپا است که به عنوان یک بازیگر عمده بین المللی به حساب می آید.

در چهارچوب دغدغه های کلی غرب باید گفت که در خلال سال های بعد از انقلاب اسلامی، گرایش های غرب ستیزانه که ریشه در حافظه تاریخی ایران دارد باعث سردی و مناقشه آمیز شدن روابط میان ایران و غرب شد؛ در این چهارچوب اول، رویکرد تجدیدنظرطلبانه ایران در منطقه و حمایت از گروههای به اصطلاح تروریستی، دوم، دغدغه های حقوق بشری، سوم، رویکرد غرب ستیزانه ایران همواره مورد انتقاد غرب بوده است. بر اساس این محورهای کلی سه گانه، انواع و اقسام انتقادات و اتهامات در حمایت از گروههای تروریستی - البته به زعم آنها - تا دخالت در امور کشورهای همسایه، سرکوب مخالفان داخلی، نادیده گرفتن حقوق بشر و... به ایران وارد می کردند؛ به طور کلی در این زمینه می توان استدلال کرد: غرب، از اینکه یک کشور مهم و تأثیر گذار منطقه ای که از موقعیت مهم ژئوپلیتیکی برخوردار است، رویکرد ضد غربی داشته باشد همواره نگران بوده و سعی کرده است در طول سالهای بعد از انقلاب همواره ایران را ضعیف نگه دارد.

اما دسته ای از دغدغه ها، بیشتر دغدغه خاص اروپا است که اگر چه ممکن است نقاط اتصالی با دغدغه های کلی غرب داشته باشد، اما اروپا را ناگزیر به حفظ روابط با ایران می کند؛ از جمله مهمترین این دغدغه ها، بحث انرژی و امنیت انرژی برای غرب، گسترش همکاریهای اقتصادی و تجاری با ایران و نقش ایران در امنیت و ثبات منطقه ای است (ایرنا، ۱۴ مرداد ۱۳۹۴). باید گفت منافع مشترک میان ایران و اروپا از چنان گستردگی برخوردار است که می توان در دوران پسا تحریم ها شاهد عمق و گستردگی بیشتر این روابط در این حوزه ها باشیم.

همکاری ها در حوزه انرژی نفت و گاز

اروپایی ها، همواره نگران امنیت انرژی شان بوده و به طور کلی از وابستگی خود در این زمینه به روسیه ناخوشنود هستند؛ بر این اساس کمیسیون اروپا در نوامبر سال ۲۰۰۸ با تهیه طرح امنیت و همبستگی انرژی اتحادیه اروپا به نقش ایران جهت تنوع بخشیدن به منابع انرژی اروپا و کاهش وابستگی به روسیه اشاره می کند.

ترکیب استانداردهای بالای زندگی در اروپا و منابع بومی محدود هیدروکربن در این قاره به معنای آن است که اتحادیه اروپا، همواره به عرضه بیرونی منابع انرژی، نیازمند باقی خواهد ماند. بر اساس آمار ذکر شده در دومین بازنگری انرژی استراتژیک، اروپا در سال ۲۰۰۸ بیش از نیمی از نیاز انرژی خود را وارد کرده است. در استراتژی امنیت انرژی اروپا آمده است که وابستگی اروپا به واردات نفت بیش از نود درصد و در زمینه گاز بیش از ۶۶ درصد است. کل واردات اروپا در این زمینه روزانه بیش از یک میلیارد یورو تخمین زده شده است (European Commission, 2009).

چنین سطح بالایی از وابستگی و عدم تنوع در عرضه، باعث آسیب پذیری شدید این کشورها در مورد عرضه انرژی شده است؛ به طور مثال: کشمکش میان روسیه و اوکراین به عنوان کشور ترانزیت در سال ۲۰۰۹ باعث کمبود انرژی در بسیاری از کشورهای اروپایی شد؛ چنین وابستگی به منابع انرژی بیرونی باعث شده که رهبران اروپا همواره در پی افزایش امنیت انرژی و تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی شان باشند.

با توجه به روابط متزلزل میان غرب و روسیه، به خصوص پس از مسئله اوکراین، اروپایی ها به شدت نگران امنیت عرضه انرژی هستند؛ بر این اساس اتحادیه اروپا جهت بالا بردن هر چه بیشتر امنیت انرژی اش در پی افزایش کشورهای عرضه کننده انرژی و برقراری روابط دوستانه با آنهاست. همانگونه که در هدف دوم ذکر شده، در طرح امنیت و همبستگی انرژی اروپا ذکر شده «اهمیت روابط خوب با کشورهای عرضه کننده انرژی» در دستور کار اتحادیه اروپا قرار دارد.

ایران، به عنوان یکی از غنی ترین کشورهای جهان در زمینه انرژی با داشتن مقام چهارم در زمینه منابع نفت و مقام دوم در زمینه گاز، کشوری است که اروپا نمی تواند از آن به راحتی عبور کند؛ از سوی دیگر، تهدیدات سرمایه گذاری در صنایع انرژی ایران چنان زیاد است که رغبت سرمایه گذاریهای بلند مدت و زیر بنایی را از بین می برد. این موضوع را می توان در کلام یورگن وندر ور، مدیر اجرایی اسبق شرکت نفتی شل به راحتی ردیابی کرد: ما با یک معما رو به رو هستیم. از یک سو، منابع نفت و گاز ایران چنان زیاد است که نمی توان آنرا نادیده گرفت و از سوی دیگر، دغدغه های سیاسی کوتاه مدت وجود دارد.

اروپا برای افزایش امنیت انرژی، نیازمند گسترش روابط در بخش انرژی با ایران است، اما ایران نیز نیازمند تکنولوژی، سرمایه و بازار اروپا جهت گسترش تولیدات خود در زمینه انرژی می باشد؛ اگر چه ایران، چهارمین صادر کننده نفت و چهارمین صادر کننده گاز در جهان محسوب می شود، اما در مقابل، ظرفیت مناسب پالایش بالایی ندارد؛ بنابراین ایران خود یکی از بزرگترین وارد کنندگان محصولات نفتی از جمله گازوئیل و بنزین است.

بر خلاف اینکه ایران منابع گازی وسیعی دارد، اما میزان اندکی از آن را می تواند صادر کند و همچنان در شبکه واردکنندگان گاز قرار دارد؛ بنابراین شاهد نوعی عدم توازن در توانایی های بالقوه و بالفعل ایران در این زمینه هستیم.

بر اساس گفته های مسئولین وزارت نفت، ایران برای افزایش سطح تولیدات خود نیازمند ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در صنایع نفتی است (ایران اکونومیست، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴)؛ این در حالی است که در سالهای اخیر اکتشاف جدید در زمینه نفت و گاز انجام نگرفته است.

از سوی دیگر، به دلیل نبود تکنولوژی پیشرفته غربی، ایران نتوانسته از تمامی قدرت و توانایی بالقوه خود در این زمینه، به ویژه در حوزه های مشترک بهره مند شود.

در طی سالهای تحریم به خصوص هنگامیکه تحریمهای ایران جنبه بین المللی تر به خود گرفت، شرکتهای اروپایی از دو طرف کاملاً متضاد تحت فشار بودند. از یک سو، ایالات متحده آنها را تحت فشار قرار می داد که در ایران سرمایه گذاری نکنند و از سوی دیگر، انگیزه مالی آنها را ترغیب می کرد که در منابع بکر ایران سرمایه گذاری کنند.

بنابراین می توان گفت به دنبال توافق هسته ای و با توجه به نیاز اروپا به منابع انرژی ایران، همکاری در زمینه انرژی می تواند نقطه اشتراک قدرتمندی در منافع ایجاد کرده، باعث عمیق تر شدن سطح روابط میان ایران و اتحادیه اروپا شود.

در صورتی که نیازمندی دوجانبه در زمینه انرژی باعث عمق روابط دو طرف شده و اروپا به منابع انرژی ایران وابسته شود، با توجه به نفوذ جهانی اروپا، نوعی تعهد ضمنی اتحادیه اروپا به حفظ و ثبات جمهوری اسلامی ایران برقرار خواهد شد؛ بنابراین از منظر دیپلماسی، انرژی نیز کسب سهم بیشتر از بازار انرژی اتحادیه اروپا برای کشورهایی عرضه کننده انرژی مانند ایران، دارای اهمیت راهبردی خواهد بود. از سوی دیگر، همانطور که گفته شد به دلیل وجود دغدغه در مورد امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا، این کشور نیز به بازار انرژی ایران نیازمند است.

تمامی اعداد و ارقام در مورد انرژی اتحادیه اروپا، نشان دهنده این واقعیت است که اول، اتحادیه اروپا همچنان در سالهای آینده حتی با عملیاتی کردن طرحهایی مانند: طرح ۲۰-۲۰-۲۰ به واردات انرژی وابسته باقی خواهد ماند و از سوی دیگر، این وابستگی به ویژه در زمینه گاز با توجه به نزدیکی جغرافیایی روسیه و منابع وسیع هیدروکربن این کشور نسبت به روسیه، وابسته باقی خواهند ماند.

این در حالی است که روسیه همواره از این ابزار جهت فشار به کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا استفاده کرده است. در سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ روسیه، اوکراین را برای پرداخت بدهی های قبلی و دادن اجازه کنترل بیشتر به این کشور در دریای سیاه و تأسیسات انرژی اوکراین از طریق ابزار انرژی و گاز مورد فشار قرار داد؛ همین رویکرد در سال ۲۰۰۴ در مورد

اتحادیه اروپا نیز بکار گرفته شد. در دسامبر ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ روسیه مجدداً اوکراین و بلاروس را جهت افزایش قیمت‌ها تهدید به قطع گاز کرد (Smith: 2008).

در ژانویه ۲۰۰۹ روسیه، صادرات گاز خود را به اوکراین به عنوان مهمترین محل عبور گاز به اروپا قطع کرد؛ همین امر باعث شد گوردون براون، نخست وزیر سابق انگلیس بگوید «هیچ کشوری اجازه ندارد از ابزار انرژی علیه اروپا استفاده کند» (Barber, 2009: 35).

شایان ذکر است اروپایی‌ها به منظور کاهش وابستگی خود به منابع انرژی روسیه، طرح‌هایی را مد نظر دارند که این طرح‌ها بخاطر تنش ایران و غرب بر سر پرونده هسته‌ای، تاکنون عملیاتی نشده‌اند. از جمله این طرح‌ها به طرح خط لوله ناباکو می‌توان اشاره کرد که با اجرایی شدن آن، اروپا با خط لوله ای سه هزار کیلومتری به منابع گازی ترکمنستان، آذربایجان و ایران متصل کرده و بدین طریق روسیه را دور می‌زند. از سوی دیگر، روسیه با تقویت همکاری‌ها با تولیدکنندگان عمده گاز در آفریقا و آسیای مرکزی و حفظ تسلط خود بر خطوط لوله کنونی و آینده اروپا سعی دارد با طرح‌های این چنینی اروپا مقابله کند.

گسترش همکاری‌ها در زمینه انرژی میان ایران و اروپا به معنای پیگیری یک استراتژی برد-برد است که از یک سو، امنیت انرژی اروپا را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، ایران را در نظام اقتصاد جهانی ادغام کرده و باعث شکل‌گیری فرایندهای اعتماد سازی میان ایران و اروپا خواهد شد؛ بنابراین در نتیجه این توافق هسته‌ای، دسترسی اروپا به منابع انرژی ایران و احیای طرح ناباکو و عملیاتی کردن آن که بواسطه مخالفت آمریکا و کارشکنی‌های روسیه تاکنون عملیاتی نشده است، به طور جدی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. البته نباید این نکته را فراموش کرد که روسها همچنان به کارشکنی‌های خود برای عدم اجرایی شدن این پروژه ادامه خواهند داد؛ چرا که روسها خواهان پدید آمدن یک رقیب قدرتمند برای خود در این حوزه نیستند، ولی به نظر می‌رسد در نهایت، درمقابل فشار و خواست کشورهای اروپایی تاب مقاومت نداشته و در نهایت با انتقال انرژی از مسیر ایران به اروپا موافقت خواهند کرد.

با عملیاتی شدن این طرح، رقابت جدی در این حوزه بین روسیه و ایران شکل خواهد گرفت که ایران به منظور جلوگیری از تنش در روابط با روسیه از یک سو و به حداکثر رساندن

منافع خود در روابط با اروپا از سوی دیگر، باید توازن ایجاد نماید؛ در این ارتباط، بکارگیری یک دیپلماسی فعال و کارآمد در حوزه انرژی از اهمیت زیادی برخوردار است. موضوع دیگری که باید به آن اشاره نماییم تأثیر تحریم‌ها بر صنعت نفت و گاز ایران است. این بخش از صنعت کشور از تحریم‌ها لطمه فراوانی دیده و به سرمایه‌گذاری کلان نیاز دارد. ایران نیاز دارد این صنعت را منطبق با استانداردهای روز جلو برده و زیرساخت‌های کافی برای نوسازی آن ایجاد نماید. برای سرمایه‌گذاری در این حوزه نیز ما شاهد رقابت میان شرکت‌های خارجی خواهیم بود. با توجه به اینکه حضور شرکت‌های نفتی آمریکایی در ایران در کوتاه مدت امکان پذیر نخواهد بود؛ بنابراین باید برای حضور شرکت‌های بزرگ اروپایی در ایران برنامه ریزی نماییم. به نظر می‌رسد در این ارتباط، شرکت توتال فرانسه با توجه به سوابق و تجربیات این شرکت در پارس جنوبی و مقاومت در برابر تحریم‌های آمریکا، از شانس بیشتری جهت حضور و سرمایه‌گذاری در ایران برخوردار خواهد بود، البته در این حوزه باید فضای رقابتی برای حضور سایر شرکت‌های بزرگ نفتی ایجاد گردد تا این همکاری‌ها بیشترین منافع را برای کشورمان تأمین نماید.

همکاری‌های اقتصادی و تجاری

تا اواخر دوره اصلاحات، ایران و اروپا دوره‌ای از دادوستد تجاری و صنعتی را تجربه کردند، بی‌آنکه این مراودات به محدوده مسائل سیاسی و امنیتی کشیده شود، اما در دوره دولت نهم و دهم قطعنامه‌های صادره علیه ایران، این مراودات را وارد فاز سیاسی و امنیتی کرد و به شدت روابط ایران و اتحادیه اروپا را در حوزه‌های مختلف کاهش داد. از همین روست که توافق اخیر را باید اتفاقی تاریخی در مناسبات ایران و غرب و به ویژه کشورهای اروپایی دانست. این توافق می‌تواند مسیر مناسبات ایران و اروپا را به طور کامل دگرگون سازد و آن را وارد یک روند رو به رشد طبیعی هدایت نماید. پائولو جتیلونی، وزیر خارجه ایتالیا در این خصوص معتقد است: بی‌تردید روابط ما در دوره تحریم آسیب دیده و متحمل ضرر شده است، اما توافق وین حاصل شد و به اعتقاد ما توافق بسیار مثبتی است و فرصت احیای مناسبات را به ما می‌دهد (اسلامی، ۱۳۹۴: ۵).

ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای منطقه دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که با توجه به رکود و بحرانهای اقتصادی در اروپا، این همکاری می تواند برای آنها نیز بسیار سودمند باشد. ایران ویژگی های چند کشور را هم زمان و به صورت یکجا در خود دارد که هر نوع همکاری اقتصادی و گسترش روابط را موجب خواهد شد: ایران دارای یک بازار مصرف بزرگ است، سرمایه بالقوه انسانی ایران مانند ترکیه، منابع نفت آن مانند عربستان، منابع گاز آن مانند روسیه و منابع معدنی آن مانند استرالیا است و این مجموعه به اندازه کافی برای دولتها و شرکتهای غربی اغوا کننده خواهد بود.

بازار ایران برای سالهای متمادی بکر باقی مانده و این بازار ۸۰ میلیونی برای شرکتهای اروپایی بسیار جذاب است. اصولاً در شرایط دشوار اقتصادی و بیکاری مزمن در کشورهای اروپایی، فراهم آمدن شرایطی که بتواند به اقتصاد نابسامان این کشورها کمک کند بسیار مهم و در خور اهمیت است (خالوزاده، ۱۳۹۴). با توجه به سطح بالای سرمایه انسانی ایران، سرمایه گذاری در ایران نیز می تواند با هزینه های اندک و با سود بالایی همراه باشد. لویا آگوستی، سفیر سابق سوییس در ایران، به تازگی گفته است که ایران، بازار خاص و جذابی برای اروپایی که از بحران اقتصادی رنج می برد خواهد بود.

ایران، دارای زیر ساختهای قدرتمند در بعضی از صنایع مانند صنایع خودرو سازی است که در منطقه خاورمیانه کم و بیش بی نظیر است. بر اساس گفته آقای نعمت زاده، وزیر صنایع و معادن، ایران می تواند برای اروپا تبدیل به یک قطب منطقه ای، جهت تولید محصولات مشترک و صادرات آنها در منطقه شود (فرجی راد، ۱۳۹۴).

شرکتهای اروپایی با حضور در ایران و استفاده از زیرساختهای ایران در زمینه تولید خودرو می توانند محصولات خود را از ایران به سراسر کشورهای منطقه صادر کنند؛ این امر در عرصه سیاسی باعث تعمیق بیشتر روابط هر دو طرف خواهد شد، البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که ایران، باید روابط دو جانبه خود را با کشورهای اروپایی حفظ و گسترش دهد و فقط در چهارچوب اتحادیه اروپا با آنها همکاری نکند؛ به طور مثال: در دولت اصلاحات سرمایه گذاری ایتالیایی ها در حوزه صنایع کوچک که صنایع اشتغال زایی محسوب می شوند، کمک

بزرگی به دولت در کاهش نرخ بیکاری کرد که تکرار دوباره آن تجربه می تواند به کاهش بیکاری که از معضلات اصلی کشور است کمک نماید.

بر این اساس باید گفت: ابتکارات جدید با نهادهای اروپای متحد می باید مکمل روابط جمهوری اسلامی ایران با هریک از کشورهای اروپایی باشد؛ درحالیکه این خطر وجود دارد که روابط با اتحادیه اروپا، جایگزین روابط ایران با هریک از کشورهای اروپایی گردد. هرکدام از کشورهای اروپایی به دلایل متفاوت و در برخی از اوقات مشابه، مایل هستند با ایران روابط حسنه داشته باشند. برخی از نزدیکی های کهن و تاریخی مابین ایران و بعضی کشورها مانند: آلمان، اتریش و ایتالیا این ارتباطات را توجیه می نماید و برخی از عناصر تاریخی مانع از روابط همه جانبه ایران با انگلستان، فرانسه و بلژیک می گردد؛ بنابراین گره زدن روابط ایران با هرکدام از اعضای اتحادیه به روابط با مرکز اتحادیه آنچنان دوراندیشانه نیست. به عنوان مثال، آلمان موتور محرکه اتحادیه اروپایی است. این کشور اکنون بار تورم، عدم بازدهی و ضعف اقتصادی کشورهای دیگر اروپایی را به دوش می کشد. روابط آلمان و ایران اگر بخواهد در گرو روابط ایران و اتحادیه اروپا، به طور کامل قرار گیرد به نفع ایران نیست.

از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که روابط با اتحادیه اروپا دارای بار سنگین مواجهه با دخالت های مراکز اروپایی در بخش های مختلف داخلی نیز هست. مسائلی از قبیل حقوق بشر، دخالت انسان دوستانه، حقوق اقلیتها، سیستم قضاوت، مجازات اعدام و... نکاتی است که اتحادیه اروپا و نهادهای آن، مانند کمیسیون اروپا، شورای اروپا و علی الخصوص پارلمان اروپا، بدانها سخت توجه نشان داده و بیشتر کشورها از رهگذر روابط خود با اتحاد اروپا به نوعی مورد انتقاد و یا غضب این نهادها قرار گرفته اند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که آنچه که نقش اساسی را در سیاست خارجی برای این کشورها بازی می کند منافع ملی آنهاست و موضوعات مربوط به حقوق بشر در الویت اول آنها نیست (سلیمی، ۱۳۹۱).

انجام مذاکرات تجاری میان ایران و اروپا پیش زمینه ی مناسبی برای ادامه مذاکرات میان ایران و اعضای سازمان تجارت جهانی، جهت تسهیل زمینه عضویت ایران در این سازمان خواهد بود. در واقع، مذاکرات تجاری ایران و اروپا عرصه محدودتر مذاکرات تجاری احتمالی ایران و سازمان تجارت جهانی است. استفاده از پتانسیل اتحادیه اروپایی به عنوان یکی از اعضای سازمان

مذکور و نیز ظرفیت دولت های عضو اتحادیه به عنوان اعضای کلیدی سازمان تجارت جهانی می توانند نقش مثبت و سازنده ای در پذیرش درخواست عضویت ایران در این سازمان داشته باشند، ضمن این که اصل موافقت نامه تجاری، پشتوانه مناسبی برای مذاکرات ایران با سازمان تجارت جهانی است؛ بنابراین امضای موافقتنامه تجاری با اتحادیه اروپا و مذاکرات رسمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باید هرچه زودتر به صورت جدی آغاز گردد. فضای جدید ایجاد شده می تواند تحقق دو هدف مهم فوق را تسریع نماید.

رفع موانع سیاسی، جهت بهبود روابط ایران و اروپا تسهیل کننده دسترسی ایران به بازارهای اروپایی نیز خواهد بود. در شرایطی که راهبرد توسعه صادرات غیرنفتی، یکی از اولویت های اصلی توسعه اقتصادی ایران است و بر اساس سند چشم انداز، ضرورت کاهش وابستگی به صادرات نفتی لحاظ شده است؛ لذا امضای موافقت نامه تجاری میان ایران و اتحادیه اروپایی بیش از آن که تسهیل کننده حضور اروپا در عرصه اقتصاد ملی ایران باشد، فراهم کننده زمینه حضور ایران در حوزه اقتصادی اروپا خواهد بود.

در مقابل، اروپا نیز به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با ایران علاقه مند است. در واقع، راهبرد جدید اتحادیه اروپایی در قرن بیست و یکم، تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی است. این مهم مستلزم دسترسی به منابع جدید و راهبردی و ایجاد ارتباط با کشورها و مناطقی است که از پتانسیل بالقوه ای برای بسط مناسبات برخوردار هستند. ایران به عنوان کشوری با موقعیت استراتژیکی منحصر به فرد، منابع غنی نفت و گاز، توان تأثیرگذاری بالا در معادلات امنیتی خاورمیانه، حوزه خلیج فارس و آسیای میانه و نیروی انسانی مستعد، ظرفیت قرارگرفتن در جایگاه نخست اولویت سیاست های خاورمیانه ای اتحادیه را دارا می باشد؛ به همین خاطر خانم موگرینی، نماینده عالی اتحادیه اروپا، در سفر به تهران اعلام کرد، اروپا به دنبال همکاری های سطح بالا با ایران است (خبرگزاری مهر، ۶ مرداد ۱۳۹۴).

همچنین، بخش حمل و نقل (هوایی، دریایی و زمینی) ما، فرصت خوبی را برای سرمایه گذاری کشورهای اروپایی ایجاد خواهد کرد. با توجه به آثار تحریم ها بر بخش صنایع هواپیمایی کشور، بعد از توافق به دست آمده شرکتهای بزرگ هواپیمایی از جمله بوئینگ و

ایرباس آمادگی خود را برای سرمایه گذاری در این بخش و نوسازی ناوگان هواپیمایی کشور اعلام کرده اند. طبق اعلام مقامات مسئول کشورمان، این بخش نیاز به سرمایه گذاری بالغ بر هشتاد میلیارد دلار دارد که این بازار می تواند باعث ایجاد انگیزه قوی برای ورود غولهای هواپیماسازی دنیا به این بخش شده و در نتیجه ما شاهد رقابت جدی بین این شرکتها خواهیم بود. ناوگان دریایی، ریلی و جاده ای ما نیز دارای ظرفیتهای عظیم سرمایه گذاری است که در روابط با اروپا باید مد نظر باشد.

جدای از موارد عمده ای که اشاره شد، هر دو طرف می توانند در سایر بخشهای دیگر اقتصادی از جمله: بخش کشاورزی، خدمات، به ویژه صنعت گردشگری، بهداشت، علم و فناوری، همکاری های گمرکی، همکاری های بانکی و بیمه ای، ارتباطات و محیط زیست همکاری های خود را به صورت جدی آغاز نمایند.

سفر اروپایی آقای روحانی، به دو کشور فرانسه و ایتالیا در اوایل بهمن ماه ۱۳۹۴ را می توان آغازگر افق روشن روابط کشورمان با اتحادیه اروپا قلمداد نمود. در سفر فرانسه، بیست و یک میلیارد دلار سرمایه گذاری بین ایران و فرانسه بالغ بر ۳۰ میلیارد یورو در حوزه انرژی، صنایع خودروسازی، خرید ۱۱۸ فروند ایرباس، توسعه و نوسازی امور فرودگاهی، کشتیرانی و توسعه پایانه های بندری؛ همچنین همکاری ها در حوزه محیط زیست به امضاء رسید. در سفر به ایتالیا نیز، قراردادهای مختلفی به ارزش ۱۸ میلیارد یورو بین هر دو طرف امضاء شد که غالب این قراردادهای حول و حوش محورهایی است که در این مقاله موردی به آنها اشاره شده است.

واقعیت، آن است که در طی سالهای گذشته و به واسطه تحریمها، ایران سعی نموده است بخش عمده ای از نیازمندی های اقتصادی و تجاری خود را از کشورهای جنوب شرق آسیا، به ویژه چین تأمین نماید. پرسش اساسی که اینجا مطرح می شود این است: آیا بعد از توافق هسته ای، ایران باید جهت گیری اقتصادی و تجاری خود را به سمت کشور های غربی، از جمله کشورهای اروپایی هدایت نماید و به اصطلاح، همکاریهای خود را از کشورهای جنوب شرق آسیا به اروپا شیفت دهد؟ به عبارت دیگر، با توجه به ظهور قطب های قدرتمند اقتصادی و صنعتی در منطقه جنوب شرق آسیا آیا در عمل، این شیفت امکان پذیر است؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی باید به این مسئله توجه نماییم که در عصر جهانی شدن، بخش عمده ای از

اقتصاد و صنعت کشورهای مختلف در هم تنیده شده و حتی اقتصاد خود کشورهای اروپایی به شکلی با اقتصاد و تجارت این منطقه گره خورده است. از طرف دیگر، تمام کشورهای پیشرفته صنعتی در سیاستهای اقتصادی و تجاری خود، سیاست ترکیبی را جایگزین سیاست تکمیلی کرده اند. در عصر جدید، ما دیگر، شاهد تولید کامل و صددرصد یک محصول صنعتی در یک کشور نیستیم، بلکه قطعات یک محصول در شرکتها و کشورهای مختلف تولید و در یک کشور مونتاژ و در نهایت به صورت محصول جهانی ارائه می گردد. توماس فریدمن، در کتاب «جهان مسطح است» در این ارتباط مثال جالبی می زند و بر اساس مطالعات انجام شده می گوید قطعات لپ تاب «دل» در چهارصد شرکت که در هفده کشور قرار دارند ساخته می شوند (فریدمن، ۱۳۹۰: ۴۶۵)؛ بنابراین در عصر جدید، یک محصول متعلق به یک کشور نیست و کشورهای مختلفی در تولید آن سهیم هستند.

بنابراین با توجه به وابستگی ایجاد شده در اقتصاد دنیا و همکاری و وابستگی اقتصاد اروپا به اقتصاد جنوب شرق آسیا، بهترین گزینه برای ایران در فضای جدید، ایجاد توازن در روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای جنوب شرق آسیا و غرب است. به نظر می رسد، شیفت کامل و شتابزده از بازارهای شرق آسیا به سمت بازارهای اروپا امکان پذیر نبوده و به نفع کشور نمی باشد، ضمن اینکه، این اقدام می تواند فضای رقابتی در برقراری روابط با این دو قطب مهم اقتصادی را از بین ببرد. شاید بتوان گفت ایجاد تعادل و توازن در روابط اقتصادی با غرب و شرق بهتر از گزینه های دیگر می تواند منافع ایران را تأمین نماید. برای پیگیری این سیاست باید سناریوهای مختلف طراحی و عملیاتی گردد.

همکاری های سیاسی و امنیتی

از نگاه ناظران مسائل اروپا دور نمانده که در سال های نه چندان دور، دیپلمات های ایرانی همانند دولتمردان ترکیه تقلا می کردند تا مجوزی به نام «توافقتنامه بزرگ همکاری» را از اتحادیه اروپا اخذ کنند تا به این طریق برنامه دادوستد خویش با طرف های اروپایی را از حالتی یک سویه و بی ثبات خارج کنند. دو طرف، ماهها و ساعت های طولانی بر سر دستیابی به این توافقنامه چانه زنی کردند، اما در نهایت، سران اتحادیه به این دلیل که رفتار سیاسی طرف ایرانی و ترک قابل اعتماد نیست از اعطای چنین مجوزی یا امتیازی شانه خالی کردند.

اکنون توافق وین، طرف ایرانی را در موقعیتی قرار داده است که سران اروپا به صورت داوطلبانه برای بستن بالاترین سطح از توافقنامه تجاری گام برمی دارند.

اروپا همواره ما را به عنوان یک شریک اقتصادی نگریسته است. این نگاه به صورت رسمی از سوی سران اروپا، به ویژه سه دولت پیشرو این قاره (آلمان، انگلیس و فرانسه) دنبال شده است. نتیجه عملی این نگاه آن بوده که در همه این سال ها طرف های اروپایی در بحران ها و منازعات منطقه از افغانستان گرفته تا عراق و فلسطین هیچ وزن و نقشی برای طرف ایرانی قایل نمی شدند. دستور کار آنها هنگام ورود به این بحران ها به جای دعوت از ایران، نوعی اعمال فشار برای دور نگه داشتن تهران از نقش آفرینی در این بحران ها بود؛ همان چیزی که دیپلمات هایشان تحت عنوان سیاست فشار و مهار از آن یاد می کردند یا آنکه ظرف سه دهه گذشته، این جایگاه ما را سخاوتمندانه در اختیار رقبای منطقه ای ما به ویژه ترکیه، مصر یا عربستان قرار می دادند. توافق وین، آشکارا خط بطلان بر این نگاه حذفی اروپا نسبت به ایران کشید. رهبران اروپا چنان که در روزهای اخیر اظهار کرده اند: نقش و جایگاه سیاسی ایران، در صحنه منطقه را به رسمیت شناخته اند (میرباقری، ایرنا، ۱۰ مرداد ۱۳۹۴)؛ چراکه آنها به این نتیجه رسیده اند که حذف بازیگر مهمی مثل ایران از معادلات منطقه ای امکان پذیر نیست.

چنانکه در دوران تحریم تجربه شد، روابط ایران و اروپا روندی بی ثبات و لرزان داشته است. انبوه توافقات و همکاری اقتصادی دوطرف با وزش هر تندباد و توفان دچار تزلزل می شد؛ عامل این بی ثباتی چیزی جز اختلاف و شکاف در نگاه سیاسی دو طرف نبود و این که توافقات اقتصادی دو طرف فاقد بنیان ها و پایه های سیاسی بود، اما به نظر می آید، اکنون توافق وین توانسته است پشتوانه و زیربنایی محکم برای حفظ تعادل در روابط دو طرف فراهم آورد. این توافق به دوره ای از بدبینی و سوءظن اروپایی ها به سیاست خارجی ایران پایان داد و چنان که در بیانیه خانم موگرینی آمده است، آنها پذیرفتند که ایران نقشی صلح آمیز دارد و دیپلماسی ایران در مسیر تحقق آرامش و اعتماد گام برمی دارد. افزون بر این موارد، اتفاق تاریخی وین به یکی از نگرانی ها و موانع ذهنی اروپایی ها در همکاری با ایران پایان داد و آن، ترس از فشار و برخورد دو قدرت بیرونی یعنی آمریکا و رژیم اسرائیل بود. طرف آمریکایی که

اکنون دوشادوش اروپا به سمت گشایش مناسبات با ایران گام برداشته است و طرف اسرائیلی که عملاً بعد از توافق هسته ای به انزوا گراییده است (میرباقری، ۱۳۹۴).

بسیاری از تحلیل گران مسائل بین المللی معتقدند: رابطه ایران و اروپا تابعی از رابطه ایران با نظام بین المللی است و تا زمانی که ایران و سیستم بین المللی به سازگاری نرسند، حتی اگر لحن و کلام مقامات ایرانی و اروپایی نسبت به یکدیگر تعدیل شود، این چالشها نیز احتمالاً ادامه خواهد یافت (سلیمی، ۱۳۹۱) و به همین دلیل می توان گفت توافق هسته ای به عمل آمده، می تواند ظرفیت نزدیکی ایران را با نظام بین المللی؛ همچنین نرم ها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه بین الملل را فراهم نماید و این فرصت را به ایران بدهد که از انزوا خارج شده و وارد یک تعامل سازنده با غرب و کشورهای اروپایی گردد.

سیاست خارجی مشترک اروپا در مورد خاورمیانه بر چند اصل کلی استوار است: منافع اقتصادی، منافع امنیتی و جلوگیری از یک جانبه گرایی واشنگتن در منطقه. یکی از مهمترین این منافع همانطور که گفته شد منافع امنیتی است. هم ایران و هم اروپا در مورد مناطقی از جهان که در همسایگی آنهاست، نگرانی های مشترک دارند. برخی از تحلیل گران معتقدند: در دوران پس از توافق، طرفین نباید فقط روابط دوجانبه را مورد ملاحظه قرار دهند، بلکه این مسئله، امنیت منطقه را هم باید مد نظر قرار دهد (ممدوف، ۱۳۹۴).

یکی از این مناطق، مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. قفقاز به خصوص به اروپا، بسیار نزدیک است. پروژه هایی مانند مشارکت برای صلح در چهارچوب جذب کشورهای به جا مانده از شوروری سابق برای اروپا، گرچه مفید بوده اند، اما به نظر می رسد بدون مشارکت ایران، رسیدن به یک فضای امن در آسیای مرکزی و قفقاز به لحاظ عملی امکان پذیر نباشد. سازمان همکاری و امنیت اروپا، با ۵۵ عضو همچون: آمریکا، کانادا، کشورهای اروپایی، روسیه، کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی، یکی از نهادهای حفظ امنیت برای غرب در سطح جهانی است. همکاری های ایران و سازمان همکاری و امنیت اروپا می تواند برای هر دو طرف همراه با منافع باشد. این سازمان، مایل به برقراری امنیت در آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای جنوب غربی و آسیای جنوبی است. اکثر این کشورها مسلمان هستند و ایران می تواند در این زمینه فعال باشد.

امنیت منطقه و شکل گیری گروههای تروریستی قدرتمندی مانند داعش که می توانند امنیت اروپا و غرب را تهدید کنند، خود زمینه دیگر همکاری میان ایران و اروپا خواهد بود؛ ایران به عنوان ریشه دار ترین دولت- ملت منطقه که از ثبات کافی نیز برخوردار است در منطقه ای که مشخصه اصلی آن سیالیت است، می تواند جای پای محکمی برای مهار تهدیدات امنیتی مانند داعش و برقراری ثبات منطقه ای باشد. هم اکنون، غرب به این نتیجه رسیده است که بدون همکاری ایران، امکان برقراری ثبات در منطقه وجود ندارد و در دوران پساتوافق که همراه با تنش زدایی میان ایران و غرب خواهد بود همکاریهای امنیتی در سوریه، عراق، یمن و افغانستان در دستور کار قرار خواهد گرفت و باعث تعمیق روابط خواهد شد؛ اگر چه سیاست هویت، همچنان موثر باقی خواهد ماند، اما منافع مشترک امنیتی طرفین را به همکاری سوق می دهد. کما اینکه، سابقه نشان داده، ایران در افغانستان همکاری های لازم را جهت سرکوبی طالبان انجام داده است.

از سوی دیگر، ایران، همواره برای برقراری توازن در مقابل آمریکا، به اروپا گرایش داشته است. این امر به صورت اساسی از آغاز مورد توجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است، اما از طرف دیگر، انتظار بیش از اندازه از اروپا در زمینه چالش با آمریکا، واقع بینانه نیست. واقعیت آن است که اگر اروپا در سالهای پس از جنگ جهانی دوم توانست به فکر ایجاد نهادهای همگرا از قبیل اتحادیه فولاد و زغال سنگ، بازار مشترک اروپا و اتحادیه اروپا باشد، این اتفاق در نتیجه فضای مناسب امنیتی است که توسط آمریکا برای اروپا بوجود آمده است؛ به همین جهت، اروپا تا سرحد تقابل با آمریکا پیش نخواهد رفت، بلکه در مقطعی، رفتار اروپا نشان دهنده نیابت این کشور از جانب آمریکاست؛ به عنوان مثال، می توان گفت: دخالت اروپا در قضیه چچن، امنیت قفقاز، دخالت در دره فراغنه و کمک به صلح خاورمیانه به نیابت و یا به معاونت از آمریکا انجام شده است.

در نهایت، می توان گفت توافق هسته ای که در نوع خود می تواند بسیار پراهمیت و سرنوشت ساز باشد می تواند با دورنمایی وسیعتر به تقویت جایگاه دیپلماسی در حل و فصل مناقشات منطقه ای از یک سو، و همکاری های راهبردی ایران و جامعه بین الملل و به ویژه کشورهای اروپایی منجر شود.

نتیجه گیری

به دنبال توافق هسته ای، مشخص است که فصل جدیدی از همکاری میان غرب و ایران آغاز شده است. در حال حاضر، همکاری ها در حوزه های اقتصادی و تجاری؛ همچنین همکاری های منطقه ای میان طرفین در خصوص مسئله داعش، ناآرامی ها در سوریه، عراق، یمن و افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است. در فضای جدید برای دیپلمات های تهران و واشنگتن، هنوز زود است که به سرعت وارد همکاری در حوزه های دیگری غیر از بحث هسته ای بشوند. در آمریکا، بخش زیادی از طبقه حاکم نسبت به اهداف ایران بدبین هستند و نمی خواهند اتفاقات گذشته، میان دو کشور را فراموش نمایند. در ایران نیز گروه هایی هستند که با هرگونه همکاری با آمریکا در حوزه های اقتصادی و منطقه ای مخالف هستند، اما با توافق به دست آمده، دیپلمات های اروپایی در موقعیت خوبی قرار دارند و در صددند به منظور توسعه همکاریهای اقتصادی، افزایش ثبات منطقه ای؛ همچنین ارتقای موقعیت اروپا به عنوان قدرتی مستقل، روابط خود را با ایران ارتقاء بخشند.

طی یک دو سال گذشته، ما شاهد سفرهای مکرر هیأت های سیاسی، اقتصادی، تجاری و پارلمانی از کشورهای اروپایی به جمهوری اسلامی ایران بودیم. توافق وین، چشم انداز جدیدی در سیاست خارجی کشور به وجود آورده است و به منزله نقطه عطفی در روابط خارجی ایران به حساب می آید. با توجه به واقعگرایی و عقلانیت حاکم بر کشور در دوره جدید و اهمیت والای منافع ملی، به نظر می رسد کشورهای اروپایی، خود را آماده از سرگیری دور جدیدی از روابط و همکاری ها، با جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف کرده اند و با اجرایی شدن برجام، ما شاهد تسریع در این روند خواهیم بود. اتحادیه اروپایی و کشورهای بزرگ آن، به خصوص، سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس (همچنین ایتالیا) که نقش مهمی در مذاکرات هسته ای با ایران داشته اند خود را برای شرایط جدید همکاری با ایران آماده می کنند. سایر کشورهای اروپایی از جمله: اتریش، سوییس، بلژیک، اسپانیا، یونان و... نیز علاقه مندی خود را برای توسعه مناسبات خود با ایران اعلام کرده اند.

در یک جمع بندی کلی، به نظر می رسد باید نسبت به آینده همکاری ها با اتحادیه اروپایی و کشورهای عضو آن خوش بین بود و روابط را در دوره جدید بر اساس منافع

مشترک باز تعریف نمود، هرچند برخی از کشورها در تلاش هستند تا مانع این همکاری بشوند لکن با توجه به اراده ای که در طرفین ایجاد شده است؛ همچنین اهمیتی که این همکاری برای آنها دارد، می توان در آینده شاهد تحولات مثبت در همکاری های بین آنها در حوزه های مختلف باشیم.

منابع:

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهارم، تهران، نشر قومس..
- دان، تیم و برایان سی. اشمیت (۱۳۸۸)، رتالیسم، در جان بیلیس و استیو اسمیت، **جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین**، جلد اول، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- فریدمن، توماس ال (۱۳۹۰)، **جهان مسطح است**، تهران، نشر کتاب هرمس
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰)، **سیاست بین الملل و سیاست خارجی**، تهران، موسسه خدماتی انتشارتی مفرس
- آقاجانی، احمد (بهمن ۱۳۸۷)، «اروپا منافقین را از فهرست گروه های تروریستی خارج کرد»، **تارنمای مجله ایرانی**.
- اسلامی، مرجان (۱۴ مرداد ۱۳۹۴)، «شرکت های "انی" و "فیات" به همراه هیات اقتصادی ایتالیا به ایران آمدند»، **روزنامه ایران**.
- ایران اکونومیست (۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴)، «صنعت نفت به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد»، نشست خبری با زنگنه وزیر نفت در حاشیه بیستمین نمایشگاه بین المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۸)، «ایران و اروپا: از گفتگوی انتقادی تا مشارکت اقتصادی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ویژه اروپا، سال سیزدهم.
- خالوزاده، سعید (۳ مرداد ۱۳۹۴)، «عصر جدید روابط ایران و اروپا پس از توافق»، **دیپلماسی ایرانی**.
- «روابط فرهنگی و سیاسی ایران و اتحادیه اروپا متحول می شود»، (۶ مرداد ۱۳۹۴)، **خبرگزاری مهر**.
- زیمی، گرتا (۱۴ مرداد ۱۳۹۴)، «جاذبه توافق هسته ای برای اروپایی ها»، **ایرنا**.
- سلیمی، حسین (۱۴ فروردین ۹۱)، «روابط ایران و اروپا، از تندی انگلیس تا تعادل آلمان»، **پایگاه اطلاع رسانی فرارو**.
- فرجی راد، عبدالرضا (۱۲ مرداد ۱۳۹۴)، «دلیل سبقت اروپایی ها برای سفر به ایران»، **فرارو**.

- ممدوف، الدار (۲۵ شهریور ۱۳۹۴)، «استراتژی اتحادیه اروپا برای دوران پساتوافق»، **دیپلماسی ایرانی**،
- میر، کریستوفر (۱۹ تیر ۱۳۹۴)، «وقت متحد شدن با ایران است»، **پایگاه اطلاع رسانی تابناک**،
- میرباقری، سیدعلی (۱۰ مرداد ۱۳۹۴)، «تحول در ماهیت روابط ایران و اروپا»، **ایرنا**،
- نادری، محمود (۱۳۹۴)، «سیاست خارجی ایران در دولت اصلاحات نسبت به اتحادیه اروپا از منظر سازه انگاری»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن**، سال ششم، شماره شانزدهم.
- European Commission (2009), "Second Strategic Energy Review", available at: <https://www.ec.europa.eu>
 - Keith C. Smith (14 September 2008), "Security Implications of Russian Energy Policies," **Center for European Studies**, available at: <http://www.ceps.eu>
 - Barber, Tony (6 January 2009), "EU Intensifies Efforts to Solve Energy," **Financial Times** .